

## حروفی که نوشته شده ولی نباید خوانده شوند

### سوالات ابتدایی درس

۱. چه حروفی از حروف الفبا در قرآن کریم ناخوانا واقع می شوند؟
۲. مواردی که در کتابت قرآن کریم حرفی نوشته شده است ولی خوانده نمی شود را بیان کنید.
۳. تعریف هر یک از «همزه وصل، همزه قطع، الف جمع یا فارقة» را بیان کنید.
۴. نحوه خواندن همزه وصل در ابتدای کلمات را بیان کنید.

### شروع درس

در قرآن کریم گاهی به حروفی بر می خوریم که نوشته شده اند ولی نباید خوانده شوند که به آنها «حروف ناخوانا» می گویند {مثل واو در کلمه «خواهر» که نوشته شده ولی خوانده نمی شود}.

حروف ناخوانا در قرآن فقط از حروف «و - ا - ل - ی» می باشند که البته خود این حروف ناخوانا به دو دسته تقسیم می شوند: «۱. حروفی که همیشه ناخوانا هستند ۲. حروفی که بعضی وقت ها ناخوانا هستند». در ادامه به بررسی موارد هر یک از این دو دسته به صورت تفصیلی می پردازیم.

### «حروفی که همیشه ناخوانا هستند»

#### ۱. پایه و کرسی همزه «وَأُی»

همزه در نگارش اولیه عرب شکل خاصی نداشت بلکه به این صورت بود که در ابتدای کلمه به صورت «الف» (ا) و در وسط و آخر کلمه با توجه به حرکت خودش یا حرکت حرف ماقبلش، آن را به یکی از صورت های «ا - و - ی» می نوشتند {مثل «سال، باری، مومن» که خوانده می شوند «سَالٌ، بَارِئٌ، مُؤْمِنٌ»}. بعدها که قرآن را برای صحیح قرائت کردن علامت گذاری کردند، برای همزه شکل «ء» را وضع نمودند<sup>۱</sup> و آن را روی سه حرف مذکور قرار دادند یعنی به این صورت «أ - و - ی» تا قاری قرآن همزه بودن این سه حرف را تشخیص دهد. بنابراین طبق نگارش امروزی، سه حرف «ا - و - ی» ای که کرسی همزه هستند دیگر خوانده نمی شوند، مثل:

سَالٌ - أُمِرْتُ - قَرِئٌ - تَوُتُونُ - أَبْتُ

**نکته (۱):** گاهی نیز یاء غیر آخر (ی) پایه و کرسی همزه واقع می شود که در این صورت نقطه های آن را نمی نویسند، مثل:

تُسَلُّونَ - شَانِئَكَ - أَنْبِئَهُمْ - جِنَّتَكَ

**نکته (۲):** در قرآن های با رسم الخط عثمان طه، همزه مکسور را زیر حرف نوشته اند، مثل اِنَّ.

**نکته (۳):** اگر همزه بدون کرسی باشد، حروف «ا، و، ی» ماقبل یا مابعد آن خوانده می شود، مثل:

(۱): در درس اول نیز به این مطلب اشاره ای کردیم.

## ۲. «واو» و «ياء» ای که به صورت الف مدّی خوانده می شوند

در قرآن کریم به مواردی بر می خوریم که الف مدّی آن ها به صورت «واو» یا «ياء» نوشته شده است مثل «صلوة - موسی» که خوانده می شوند «صلاة - موسا». در این موارد باید دقت کنید که این واو و یاء را به صورت الف بخوانید. البته در قرآن های با رسم الخط عثمان طه، بر روی این دو حرف در صورتی که در اصل الف مدّی باشند، الف کوچکی قرار داده اند (و، ی) تا قاری قرآن متوجه تلفظ صحیح آنها باشد، مثل **صَلَوَةٌ**.

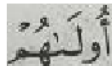
**موارد واو:** در قرآن فقط هشت کلمه هستند که الف مدّی آنها به صورت واو نوشته شده است و آن هشت کلمه عبارتند از: «صَلَوَةٌ، زَكْوَةٌ، حَيَوَةٌ، رَبْوًا، بِالْعَدْوَةِ، كَمِشْكَوَةٍ، النَّجْوَةِ، مَنَوَةٌ».

**نکته:** از این هشت کلمه، چهار کلمه آن در جاهای مختلف قرآن آمده است ولی چهار کلمه دیگر فقط در آیات معینی هستند که عبارتند از: «بِالْعَدْوَةِ» (انعام/۵۲) (کهف/۲۸)، «كَمِشْكَوَةٍ» (نور/۳۵)، «النَّجْوَةِ» (غافر/۴۱) و «مَنَوَةٌ» (نجم/۲۰).

**موارد یاء:** موارد یاء در چند کلمه محدود نمی شود که بخواهیم آنها را بیان کنیم ولی برای شناخت «ياء» ای که به صورت الف مدّی باید خوانده شود، از آنجا که بالای آن یاء یک الف کوچک قرار داده شده (در رسم الخط عثمان طه)، در تشخیص آن دچار مشکل نمی شوید.

**مثال:** سَعَى - مَشَى - الْهَدَى - أَهْدَى - صَلَّى - كُبِرَى - مُوسَى - مَتَى - حَتَّى

**نکته:** در قرآن های با رسم الخط عثمان طه، وقتی الف مدّی به صورت یاء غیر آخر (یب) نوشته می شود، نقطه آن را نمی نویسند، مثل:



**نکته پایانی:** در صورتی که واو و یاء متحرک باشند و یا قبل و بعد آنها الف مدّی بیاید، آن واو و یاء قطعاً الف مدّی نبوده و خوانده می شوند، مثل: صَلَوَاتٌ - سُقِيَّهَا.

## ۳. الف جمع «واو»

در صورتی که فعلی به واو جمع ختم شود {مثل «فَعَلُوا» که صیغه جمع مذکر غایب است} و بعد از آن واو، ضمیری نیامده باشد، لازم است بعدش الفی آورده شود تا واو جمع با واو غیر جمع اشتباه نشود، مثل:

**نَصَرُوا - فَرِحُوا - تَعَنَّا - أَنْفَقُوا - لَا تَهْتَدُوا**

**نکته (۱):** به این الف، علاوه بر «الف جمع»، «الف فارقه» نیز می گویند چرا که این الف تمییز دهنده واو جمع از غیر جمع می باشد.

**نکته (۲):** استثناءً در قرآن کریم به چند مورد بر می خوریم که بعد از واو جمع الفی نیامده، مثل **سَعَوْ** (۵/سَبَأ)، **جَاءُو** (۱۶/يُوسُف).

**نکته (۳) {مهم}:** در قرآن به کلماتی بر می خوریم که حرف واو آخر آنها واو جمع نمی باشد و یا حتی از حروف ناخوانا می باشد ولی با این حال باز هم بعد از آن ها الف ناخوانا آمده است، مثل:

## أَشْكُوا - نَبَلُوا - أَنْوَكُوا - شُرَكُوا - لَيَرَبُوا

**نکته (۴):** در قرآن های با خط عثمان طه، برای راهنمایی قاری روی این الف جمع دایره کوچکی قرار داده اند (۲) تا دلالت بر عدم تلفظ این الف کند، مثل: **عَمِلُوا - أَقِيمُوا**.

### ۴. واو مدّی (و) در شش کلمه

در قرآن به شش کلمه بر می خوریم که با واو مدّی نوشته شده اند ولی واو مدّی آنها خوانده نمی شود. برای این کلمات قاعده ای بیان نکرده اند لذا لازم است که آن ها را حفظ کنید. در زیر نحوه نوشتن و خواندن این شش کلمه را بیان خواهیم کرد:

**نوشته شده:** **أُولَى - أُولُوا - أُولَاتٍ - أُولَاءٍ - أُولَئِكَ<sup>۱</sup> - سَأُورِيكُمْ**  
**خوانده می شود:** **أُولى - أُلُوا - أُلَاتٍ - أُلَاءٍ - أُلَئِكَ - سَأُورِيكُمْ**

**نکته:** در قرآن های با خط عثمان طه، برای راهنمایی قاری روی این واو های ناخوانا دایره کوچکی قرار داده اند (۲) تا دلالت بر عدم تلفظ این دو حرف کند، مثل: **أُولَى - أُولُوا**.

**نکته (۲) (مهم):** در بعضی کلمات نیز «الف» و «پاء» ناخوانا بدون قاعده آمده است، مثل:

**مَائَةٌ - بِأَيِّدٍ - أَفَائِنٌ - جَائٍ - لِسَائٍ - تَائِسُوا - يَائِسُوا - لَأِ ادْبَحْنَهُ<sup>۲</sup>**

البته این جا نیز در رسم الخط عثمان طه، بر روی حروف ناخوانا «ئ» را قرار داده اند. پس نگرانی از بابت تشخیص این حروف نداشته باشید.

## «حروفی که بعضی وقت ها ناخوانا هستند»

### ۱. همزه وصل در وسط کلام «...ا...»

تلفظ کلماتی که ابتدای آنها ساکن باشد، مشکل و یا غیر ممکن است مثل «نُضِرُ، هَبِطُ». برای سهولت و امکان پذیر شدن تلفظ چنین کلماتی، از الف متحرکی به نام «همزه وصل» کمک می گیرند به این صورت که آن را در ابتدای کلمه قرار می دهند تا مشکل ساکن بودن ابتدای آنها بر طرف شود مثل «أُنْضِرُ، إِهْبِطُ».

**همزه وصل:** الف متحرکی است که در ابتدای کلام خوانده می شود ولی در وسط کلام خوانده نمی شود.

**توضیح بیشتر:** منظور از «در ابتدای کلام» این است که شما {بعد از تجدید نفس یا ...} می خواهید شروع به قرائت کنید و اولین کلمه ای را که می خواهید بخوانید دارای همزه وصل است {مثل ادْخُلُوا ...}؛ و منظور از «در وسط کلام» این است که کلمه دارای همزه وصل در ابتدای قرائت شما قرار نگرفته است {مثل يَا قَوْمِ ادْخُلُوا}.

در مقابل همزه وصل، همزه دیگری به نام «همزه قطع» می باشد که چه در ابتدای کلام {مثل أَرْسَلْنَا ...} و چه در وسط کلام خوانده می شود {مثل لَقَدْ أَرْسَلْنَا}.

(۱): کلمه «أُولَئِكَ» نیز در حکم «أُولَئِكَ» می باشد.

(۲): زیر حرفی که خوانده نمی شود خط کشیده شده تا راحت تر قابل تشخیص باشد.

**نکته:** در قرآن‌های با رسم الخط عثمان طه، برای راهنمایی قاری، روی الفی که همزه قطع است، همزه (أ) و روی الفی که همزه وصل است، صاد کوچک (آ) قرار داده اند {مثل آتَىٰ أُمُّ اللَّهِ}.

### نحوه خواندن همزه وصل در ابتدای کلمه ها

همزه وصل در ابتدای هر سه نوع کلمه یعنی «فعل»، «اسم» و «حرف» می آید:

- **در حروف:** همیشه «مفتوح» می باشد {مثل الْكُتَابُ -> الْكُتَابُ}؛
- **نکته:** تنها حرفی که دارای همزه وصل می باشد، «ال» تعریف است.
- **در اسماء:** همیشه «مکسور» می باشد {مثل اَيْنَ، اِسْمٌ -> اَيْنَ، اِسْمٌ}؛
- **در افعال:** در افعال کار کمی سخت تر می شود. برای اینکه بدانیم همزه دارای چه حرکتی است، باید به دوّمین حرف بعد از همزه نگاه کنیم؛ اگر مفتوح یا مکسور بود، همزه وصل با کسره خوانده می شود {مثل افْتَحْ، اضْرِبْ، انْضُرْ -> افْتَحْ، اضْرِبْ، انْضُرْ} و اگر ضمّه بود، همزه وصل با ضمّه خوانده می شود {مثل انْضُرْ -> انْضُرْ}.

**تمرین:** لطفاً حرکت همزه وصل در عبارات زیر را بیابید و سپس هر عبارت را به صورت شمرده بخوانید:

**الرَّحْمَنُ - اسْتَغْفِرْ لَهُمْ - ادْعُوا رَبَّكُمْ - اتَّوُوا خِفَافاً - الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ - انْظُرْ - اسْتَبْدَالَ**

#### چند نکته:

۱. در پنج فعل «إِفْضُوا، اِبْتُوا، اِمْشُوا، اِمْضُوا، اِنْتُوا»، همزه وصل آنها {در صورت ابتدای کلام بودن} به کسره خوانده می شود؛ چون اصل این افعال «إِفْضِيُوا، اِبْتِيُوا، اِمْشِيُوا، اِمْضِيُوا، اِنْتِيُوا» بوده است.<sup>۲</sup>
۲. همزه ساکن در کلمات «اِبْتُوا، اِبْتُونِي، اِبْتِيَا، اِبْتِيَا، اِبْتِيَا، اِبْتِيَا»<sup>۳</sup> در صورت وصل به ما قبل، به صورت همزه و در صورت ابتداء به کلمه، به صورت یاء مدّی خوانده می شوند<sup>۴</sup> یعنی به این شکل «اِبْتُوا، اِبْتُونِي، اِبْتِيَا، اِبْتِيَا، اِبْتِيَا، اِبْتِيَا».
۳. همزه ساکن در کلمه «اُوتِمِنَ» نیز در صورت وصل به ما قبل، به صورت همزه و در صورت ابتداء به کلمه، به صورت واو مدّی خوانده می شود<sup>۵</sup> یعنی به شکل «اُوتِمِنَ».

---

(۱): البته لازم به ذکر است که اگر همزه قطع مکسور باشد، همزه را زیر آن می گذارند؛ یعنی به صورت «إِ». (۲): چون دانستن علت تغییرات و علت توجه به اصل کلمه در حرکت دهی به همزه وصل و ...، کمی آشنایی با قواعد زبان عربی می خواهد، لذا از بیان آن خودداری می کنیم. البته شما می توانید صرفاً با حفظ این چند مورد نیاز خود را برطرف کنید. (۳): زیر همزه محل بحث خط کشیده شد تا راحت تر تشخیص داده شود. (۴): البته منظور این نیست که خود همزه را به صورت یاء مدّی باید خواند، بلکه منظور این است که در چنین حالتی (فقط در همین کلمات) همزه ساکنه تبدیل به یاء مدّی می شود. (۵): در اینجا نیز منظور این نیست که خود همزه را به صورت واو مدّی باید خواند، بلکه منظور این است که در چنین حالتی (فقط در همین کلمه) همزه ساکنه تبدیل به واو مدّی می شود.

## ۲. حروف مدّی نزد همزه وصل «(ا، ی، و) + آ»

اگر حروف مدّی که ذاتاً ساکن می باشند، به همزه وصل برسند (یعنی بعدشان همزه وصل بیاید)، میان حروف مدّی و حرف بعد از همزه وصل {که همیشه ساکن یا مشدّد است} التقاء ساکنین پیش می آید که برای رفع این التقاء ساکنین، حروف مدّی خوانده نمی شوند، مثلاً:

وَ إِذَا الْجِبَالُ --{خوانده می شود}-- وَ إِذْجِبَالُ

فِي الْمَدِينَةِ --{خوانده می شود}-- فَلَمَدِينَةِ

ذُو الْعَرْشِ --{خوانده می شود}-- ذُلْعَرْشِ

**نکته (۱):** در درس نهم، بحث التقاء ساکنین را به طور مفصل بیان خواهیم کرد.

**نکته (۲):** در قرآن های با رسم الخط عثمان طه {و همچنین مابقی رسم الخط های عربی} هیچ نشانه ای در نگارش نیست تا میان حروف مدّی خوانا و ناخوانا تمیز داده شود و قاری باید با قاعده ای که بیان شد آشنایی داشته باشد {و یا اینکه عرب زبان باشد} تا بفهمد که در این مواقع نباید حروف مدّی را بخواند. **تمرین:** لطفاً عبارات زیر را با توجه به قاعده ای که بیان شد به صورت شمرده بخوانید:

جَعَلْنَا الْأَنْهَارَ - رَبَّنَا اكْشِفْ - ذُوِي الْقُرْبَى - أوتُوا الْكِتَابَ - إِلَى الْحَوْلِ - تَكْتُمُوا الْحَقَّ

## ۳. لام «ال» تعریف نزد حروف شمسی

«ال» تعریف دارای دو حرف «الف» و «لام» می باشد که الف آن همزه وصل است {پس در اول کلام خوانده می شود و در وسط کلام خوانده نمی شود} و لام آن نیز دو حالت دارد:

- نزد ۱۴ حرف قمری (عجبا که خوف حق غمی!): اظهار<sup>۲</sup> می شود؛
  - نزد ۱۴ حرف شمسی (مابقی حروف<sup>۳</sup>): تبدیل به همان حروف شده و در آنها ادغام می گردد.
- نکته:** زمانی که ما بعد لام، حروف شمسی قرار بگیرد، برای راهنمایی قاری لام را بدون علامت سکون و در عوض حرف بعدی را مشدّد نوشته اند تا نشانه عدم تلفظ لام و ادغام کامل آن در حرف بعدی باشد.
- مثال: وَ الشَّمْسِ - عَلَى الثَّلَاثَةِ - إِنَّ السَّاعَةَ - مِنَ الرَّحْمَةِ - تَأْتِيهِمُ الْبَيِّنَةُ - أوتُوا الْكِتَابَ.
- نکته (۲):** دقت کنید که حرف لام در کلمات زیر، لام تعریف نبوده و باید خوانده شوند:
- وَالْتَفَّتْ - يَوْمَ التَّقَى - فَالْتَمِسُوا - إِذِ التَّقِيْتُمْ - فَالْتَقَمَهُ - أَلْسِنَتِكُمْ

(۱): با ۱۴ حرف قمری یک عبارت تشکیل داده اند تا راحت تر به یاد بمانند. شما می توانید عبارت مورد نظر خودتان را بسازید و آن را به یاد بسپارید.

(۲): یعنی «به صورت طبیعی و بدون هیچ تصرفی» خوانده می شود.

(۳): با ۱۴ حرف شمسی نیز می توان عباراتی را ساخت؛ مثلاً عبارت «شنل زردست» کمی معروف است. در این عبارت ۸ حرف وجود دارد که اگر دیگر شکل های نوشتاری «ز» (یعنی ذ، ظ، ض)، «س» (یعنی ص، ث) و «ت» (یعنی ط) را نیز حساب کنید، ۱۴ حرف شمسی را در بر می گیرد.

(۴): اگر با ادبیات عرب کمی آشنایی داشته باشید، می توانید تشخیص دهید که چرا این ها لام تعریف نیستند ولی در هر حال اگر آشنایی ندارید و علاقه ای هم به یادگیری ندارید، این کلمات را حفظ کنید تا وقتی با آن ها برخورد کردید با لام تعریف اشتباهشان نگیرید.

## ۴. الف بعد از تنوین فتحه در حالت وصل

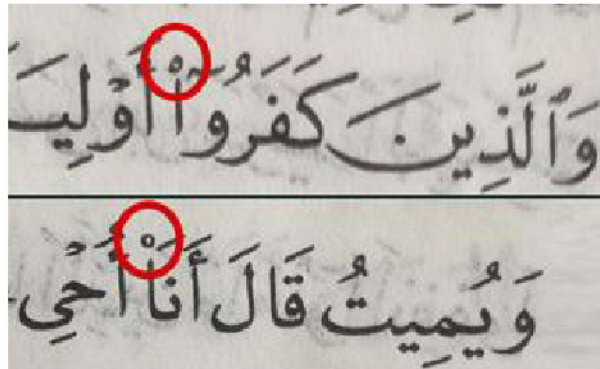
همانطور که در مبحث «تنوین» بیان کردیم، بعد از تنوین فتحه الفی قرار داده اند (البته به جز مواردی که ذکر شد) تا راهنمای قاری باشد برای اینکه در صورت وقف، تنوین فتحه تبدیل به الف می شود!  
بنابراین این الف در حالت وصل به کلمه ما بعد خوانده نمی شود (مثل «أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ» ولی در هنگام وقف این الف به صورت الف مدّی خوانده می شود (یعنی «أَرْسَلْنَا نُوحًا»).

## ۵. الفی که در حالت وصل خوانده نمی شود

در قرآن کریم به هفت کلمه بر می خوریم که آخر آنها به الف مدّی ختم می شود. این کلمات در حالت وصل و وقف همانگونه که نوشته شده خوانده می شوند ولی در حالت وصل به مابعد، الف مدّی آن ها خوانده نمی شود. این هفت کلمه عبارتند از:

- (احزاب/۱۰): «الطُّنُونَا» --(که در حالت وصل خوانده می شود)-- «الطُّنُونِ»؛
- (احزاب/۶۶): «الرَّسُولَا» --(که در حالت وصل خوانده می شود)-- «الرَّسُولِ»؛
- (احزاب/۶۷): «السَّبِيلَا» --(که در حالت وصل خوانده می شود)-- «السَّبِيلِ»؛
- (دهر/۴): «سَلَا سِلَا» --(که در حالت وصل خوانده می شود)-- «سَلَا سِلِ»؛
- (دهر/۱۵): «قَوَارِيرَا» --(که در حالت وصل خوانده می شود)-- «قَوَارِيرِ»؛
- (کهف/۳۸): «لَكِنَّا» --(که در حالت وصل خوانده می شود)-- «لَكِنِ»؛
- (در آیات مختلف): «أَنَا» --(که در حالت وصل خوانده می شود)-- «أَنِ»؛

**نکته (۱):** در قرآن های با رسم الخط عثمان طه، بر روی الف این کلمات علامتی را قرار داده اند که تقریباً همانند علامت «ء» (که بالای حروف ناخوانا گذاشته شده) می باشد منتها با کمی تفاوت تا قاری قرآن متوجه شود که این الف همیشه ناخوانا نیست. برای بهتر متوجه شدن این تفاوت به عکس زیر دقت کنید:



(۱): در درس دهم مباحث مربوط به چگونگی وقف مفصلاً بیان خواهد شد.